

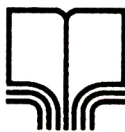
وسایل بی هدف

یادداشت هایی در باب سیاست

جورجو آگامبن

ترجمه ی

امید مهرگان - صالح نجفی



نشر چشمه

فهرست

۷.....	یادداشت مترجم.....
۱۱.....	پیش گفتار.....
۱۳.....	بخش I.....
۱۵.....	شکل - حیات.....
۲۵.....	فراسوی حقوق بشر.....
۳۷.....	مردم چیست؟.....
۴۵.....	اردوگاه چیست؟.....
۵۳.....	بخش II.....
۵۵.....	یادداشت‌هایی در باب ژست.....
۶۷.....	زبان‌ها و مردمان.....
۷۵.....	یادداشت‌های حاشیه‌ای در باب شروحنی بر جامعه‌ی نمایش.....
۹۳.....	چهره.....

- بخش III ۱۰۳
- پلیس در مقام حاکم ۱۰۵
- یادداشت‌هایی در باب سیاست ۱۱۱
- در این تبعید (روزنگاری‌های ایتالیایی، ۹۴-۱۹۹۲) ۱۲۱

یادداشت مترجم

I

کتاب حاضر در برگزیده‌ی مقالاتی است که جورجو آگامبن، فیلسوف و نظریه‌پرداز معاصر ایتالیایی، در پنج سال اول دهه‌ی ۱۹۹۰ نوشته است، یعنی در سال‌های بلافاصله پس از فروپاشی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی و سرخوردگی فراگیر تفکر و سیاست چپ. سایه‌ی این واقعه‌ی تکان‌دهنده کمابیش بر همه‌ی مقالات این کتاب افتاده است. اما در عین حال، در این مقالات، نوعی بی‌اعتنایی نیرومند نسبت به تکان‌ها و یأس‌های حاصل از این واقعه، که به‌راستی ضربه‌ای کارگر بر سیاست رادیکال و چپ وارد کرد، به چشم می‌خورد. نکته‌ی مهمی که همین‌جا باید بدان اشاره کرد، دقیقاً همین ایستادگی آگامبن در برابر موج عظیم ستایش از پیروزی غایی سرمایه‌داری جهانی و لیبرال دموکراسی، و همچنان پافشاردن بر سیاستی دیگر، یک سیاست رادیکال، و جهان و اجتماعی دیگر است. اکنون در اواسط اولین دهه‌ی قرن بیست و یکم، در شرایطی که ترک‌کناری لیبرال‌ها و پراگماتیست‌ها و هواداران «پایان تاریخ» خود کمابیش به پایان نزدیک شده است، و سرکوفت‌زدن‌های کلیشه‌ای به چپ به ته خط رسیده است، جبهه‌ی تازه‌ای در اروپا گشوده شده که آگامبن نیز یکی از خط‌نگهداران آن است.

شکل - حیات

یونانیان باستان برای بیان آنچه ما از واژه‌ی حیات می‌فهمیم، واژه‌ی واحدی نداشتند. آنان از دو واژه‌ی به‌لحاظ معناشناختی و ریخت‌شناختی متمایز سود می‌جستند: *zōē*، که مبین واقعیت ساده‌ی زیستن بود و مشترک میان همه‌ی موجودات زنده (حیوانات، آدمیان، یا خدایان)، و *bios*، که بر شکل یا نحوه‌ی زیستنِ مختص به یک فرد یا گروه واحد دلالت داشت. در زبان‌های مدرن، این تقابل به تدریج از قاموس لغات ناپدید شده است (و آن‌جایی هم که هنوز هست، نظیر *biology* و *zoology*، دیگر از تفاوتی جوهری حکایت نمی‌کند)؛ فقط یک اصطلاح وجود دارد برای توصیف آن عنصر عریانِ مشترکِ ازپیش مفروضی که مجزاساختنِ آن در هر یک از اشکالِ متعدد حیات همواره امکان‌پذیر است.

منظور من از اصطلاح شکل - حیات [*Form - of - Life*] در مقابل، حیاتی است که هرگز نمی‌تواند از شکلش جدا شود، حیاتی که در آن مجزاساختنِ چیزی نظیر حیات برهنه به‌هیچ‌رو ممکن نیست.

حیاتی که نمی‌تواند از شکلش جدا گردد حیاتی است که مسئله‌ی اصلی، در شیوه‌اش برای زیستن، خود زیستن است. این صورت‌بندی به چه معناست؟ این صورت‌بندی گونه‌ای حیات - حیات بشری - را تعریف می‌کند که در آن، شیوه‌ها، کنش‌ها، و فرآیندهای واحد و یکه‌ی زیستن به‌هیچ‌رو صرفاً امور واقع [facts] نیستند، بلکه همواره و بیش از همه در حکم امکانات حیات‌اند، همواره و بیش از همه در حکم بالقوگی‌هایند.^۱ هیچ رفتار و شکلی از زیستن بشری هرگز مقید به هیچ نوع رسالت زیست‌شناختی خاص و از پیش مقرر نیست، و هیچ قسم ضرورتی نیز بدان‌ها نسبت داده نشده است؛ برعکس، رفتارها و شکل‌های زیستن بشری، هر قدر هم که معمول، تکراری، و به‌لحاظ اجتماعی الزام‌آور باشند، همواره خصلت نوعی امکان را حفظ می‌کنند، به‌عبارت دیگر، همواره نفس زیستن را به قمار می‌گذارند [و آن را به مسئله‌ی اصلی بدل می‌سازد]. از همین‌روست که آدمیان - در مقام موجودات واجد بالقوگی که می‌توانند کاری را بکنند یا نکنند، موفق شوند یا شکست بخورند، گم کنند یا خود را بازیابند - یگانه موجوداتی‌اند که در زندگی‌شان مسئله همواره بر سر سعادت است، یگانه موجوداتی که حیات‌شان به‌نحوی جبران‌ناپذیر و دردناک موقوف به سعادت است. اما این امر شکل - حیات را مستقیماً به‌منزله‌ی حیات سیاسی برمی‌سازد

'Civitatem... communitatem esse institutam propter viver et bene

۱. واژه‌ی انگلیسی *Power* مطابق با دو اصطلاح متمایز در ایتالیایی است، *Potenza* و *Potere*. این دو، [که در فارسی به ترتیب: قدرت و قوه یا توان ترجمه می‌شوند] معادل *Puissance* و *Pouvoir* فرانسوی، *Macht* و *Verm?gen* آلمانی و *potentia* و *Potestas* لاتینی است. *Potenza* یا انگلیسی *potentiality* بیشتر با قابلیت یا نیروی مرکز‌دوده‌ی توده‌ها یا مردمان مرتبط است، و حالت بالقوگی بر آن غلب دارد حال آن‌که *Power* یا قدرت دال بر نوعی قابلیت ازپیش ساختاریافته و تأسیس‌شده، نظیر خود دولت است. [دقیقاً همین اصطلاح اول است که برای آگامبن و برخی دیگر از متفکران رادیکال ایتالیایی واجد نیروی رهایی‌بخش و مرتبط با نفس تفکر/سیاست است.]

'vivere hominum in ea' [دولت در حکم اجتماعی است که به خاطر زندگان و زیستن نیکِ آدمیان در آن تأسیس شده است].^۱

از سوی دیگر، قدرت سیاسی، چنان که می‌دانیم، همواره خود را — در مرحله‌ی نهائی — بر پایه‌ی جدایی نوعی ساحت حیات برهنه از پس‌زمینه‌ی شکل‌های حیات بنا می‌نهد. در قوانین رُم، *Vita* [حیات] یک مفهوم حقوقی نیست، بلکه از آن بیش بر واقعیت صرف زیستن یا شیوه‌ی خاصی از حیات دلالت دارد. فقط یک مورد وجود دارد که در آن اصطلاح حیات معنایی حقوقی پیدا می‌کند، معنایی که آن را به یک اصطلاح فنی [*terminus technicus*] تمام‌عیار بدل می‌سازد: عبارت *vitae necisque potestas* که معرف قدرت پدر [*pater*] بر زندگی و مرگ فرزند پسر است. یان توماس نشان داده است که، در این عبارت، *que* حرف انفصال نیست و *vita* چیزی نیست مگر همبسته‌ای برای *nex*، قدرت کشتن.^۲

بدین‌سان، حیات از آغاز فقط در مقام همتای آن قدرتی که تهدیدگر به مرگ است در متن قانون ظاهر می‌گردد. ولی آنچه در خصوص حق پدر بر حیات و مرگ معتبر است، در خصوص قدرت حاکم (*imperium*) واجد اعتبار حتا بیشتری است، قدرتی که مورد اول [یعنی حق پدر بر حیات و مرگ] تشکیل‌دهنده‌ی سلول آغازین آن است. از این‌رو، در تأسیس هابزی حاکمیت، مشخصه‌ی حیات در وضعیت طبیعی همان قرارگرفتن بی‌قید و شرطش در معرض تهدید مرگ (حق بی‌حد و حصر هر کس بر هر چیز) است و حیات سیاسی — یعنی، حیاتی که تحت حمایت لویاتان رشد و گسترش می‌یابد — چیزی

1. Marsilius of Padua, *The Defensor of Peace*, New York: Harper and Row, 1956, p.15. translation modified.

2. See Yan Thomas, "Vita necisque Potestas": Le pere, la cite, la mort, in *Du combat dans la cite supplices corporals et peine de mort dans la monde antique* (Rome, 1984)